

اعتصاب غذای خشک در آلومینیوم اراک؛ فریاد طبقه کارگر شلیکی بر سینه‌ی حاکمیت و مناسبات پوسیده

اعتصاب کارگران یکی از شاخه‌های صنعتی آلومینیوم اراک، امروز در گرمای سوزان چهارشنبه ۱۹ شهریور، وارد چهل و سومین روز خود شد؛ اعتصابی بی‌سابقه در تاریخ جنبش کارگری ایران که به اعتصاب در کف کارخانه و اعتصاب غذای خشک و مرگ آور تبدیل شده است. کارگران، در شرایطی که مدیریت شرکت در سایه حاکمیت و با پشتیبانی حکومت اسلامی، با دروغ‌پردازی، شکایت و اتهامات امنیتی می‌کوشد فضای رعب بیافریند، با گرسنگی اما اراده‌ای استوار، اتحادی طبقاتی برپا کرده‌اند. ده‌ها کارگر در گرمای توانفرسا و گرسنگی و تشنگی در کف کارخانه همچنان شعار بر لب دارند:

«کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد!»

«می‌ایستیم، می‌میریم، حق‌مان را می‌گیریم.»

کارگران آلومینیوم اراک در اعتراض به بی‌توجهی مدیریت و «دروغ‌پردازی» اداره کار استان مرکزی، امروز در محوطه کارخانه با اعتصاب غذای خشک با شعارهای کوبنده‌ی خواست‌های خود را فریاد زدند:

- اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل،

- پرداخت به‌موقع حقوق،

- نوسازی تجهیزات فرسوده برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه،

- رعایت استانداردهای ایمنی،

- پایان دادن به آزار و فشارهای امنیتی،

- خلع ید از سهامدار عمده خصوصیتی که به گفته کارگران قصد ورشکستگی شرکت را دارد.

تجمع متحدانه و پرشور در محوطه‌ی شرکت و تحصن شبانه تا بامداد ۱۹ شهریور نشان داد که این مقاومت، تنها یک اعتراض موضعی نیست، بلکه نماد رزمندگی طبقه کارگر ایران است. خواست‌های آنان روشن است: رسیدگی فوری به مطالبات قانونی، تأمین ایمنی محیط کار، پایان دادن به فساد و سرکوب در مدیریت و حراست، و بازگرداندن دستمزدها، حقوق و مزایای غارت‌شده.

اعتصاب غذای خشک: نقطه عطفی در تاریخ مبارزات کارگری

اعتصاب کارگران صنایع کلیدی در صنعت نفت و پتروشیمی در کارخانه از جمله اعتصاب یگانه‌ی غذای خشک آلومینیوم اراک، چند روز و امروز چهارشنبه ۱۹ شهریور، وارد چهل و سومین روز خود شد؛ اعتصابی بی‌سابقه در تاریخ جنبش کارگری ایران به شمار می‌آید. کارگران آلومینیوم، در شرایطی که مدیریت شرکت با دروغ‌پردازی، شکایت و اتهامات امنیتی می‌کوشد فضای رعب بیافریند، با گرسنگی و تشنگی اما اراده‌ای استوار، گردانی متحد برپا کرده‌اند. بنا به گزارش‌های رسیده، چندین کارگر به دلیل بیهوشی ناشی از گرسنگی به بیمارستان منتقل شدند، اما در کف کارخانه همچنان شعار بر لب دارند:

هر اعتصاب کارگری، هرچند در ظاهر علیه مدیریت فاسد واحدهای صنعتی شکل می‌گیرد، در حقیقت پیکان خود را به سوی تمام نظم استثمارگر و در برابر حاکمیت فساد سیستماتیک و حکومت مرگ‌آفرین نشانه می‌گیرد. در شرایطی که جامعه‌ی در سراسر ایران در بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شعله‌ور است، هر حرکت اعتراضی کارگران و زنان، فرودستان، فریادهای اعتراضی علیه بی‌آبی و بی‌نانی و بی‌برقی، ... حلقه‌های زنجیر مبارزه‌ای هستند که هدف نهایی آن‌ها چیزی جز سرنوشتی نظم پوسیده و استقرار نظامی نوین نیست.

خون کارگران، سند جنایت نظم حاکم

در نتیجه‌ی سیاست‌های خصوصی‌سازی و مدیریت فاسد، ده‌ها کارگر دچار صدمات جسمی جبران‌ناپذیر شده‌اند و دو کارگر زحمتکش، **محمود داودآبادی** و **جبار عبدی**، به دلیل فقدان ایمنی در محیط کار جان خود را از دست داده‌اند. این خون‌های ریخته‌شده، سند جنایت نظم حاکم علیه طبقه کارگر و جامعه است؛ مناسباتی که جان انسان را هیچ می‌انگارد و تنها سود و انباشت سرمایه را می‌شناسد.

موج سراسری اعتراضات

اعتراض کارگران آلومینیوم اراک بخشی از موج عظیمی است که سراسر ایران را از سال ۱۳۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ و تا کنون از هفت تپه تا فولاد اهواز و مبارکه و پتروشیمی‌های و نفت و گاز و آموزگاران و دیگر فرهنگیان، پرستاران، پاکبانان، رانندگان کامیون و ... را دربرگرفته است. بنا به گزارش‌های رسیده، تنها در سال ۱۴۰۳:

- ۲۲۵۵ تجمع اعتراضی، ۱۳۷۷ اعتصاب کارگری، و ۷۰ اعتصاب‌های دیگر در ایران ثبت شده است.

این آمار نشان می‌دهد که کارگران نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، آلومینیوم، معلمان و بازنشستگان، پرستاران و زنان بدون ستاد رهبری سراسری و اما با شبکه‌های خودجوش و شورایی، در حال پیوند با یکدیگرند و نبرد اعتصاب سراسری را سازمان می‌دهند.

بحران فروپاشی و جنگ‌افروزی رژیم

کارگران برای نان و بیمه و ایمنی جان می‌دهند، در حالی که حکومت اسلامی میلیارد‌ها دلار سرمایه‌ی کشور را در پروژه‌های هسته‌ای، موشکی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای می‌بلعد.

- ساخت و نگهداری مجتمع‌های زیرزمینی نطنز، فردو، اراک و اصفهان: دست‌کم ۳۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه.

- خسارت مستقیم ناشی از تحریم‌ها در پانزده سال گذشته: بیش از ۱.۲ تریلیون دلار.

- مجموع هزینه‌های پروژه‌های هسته‌ای، موشکی و جنگ‌های نیابتی تا سال ۲۰۲۵: میان ۲ تا ۵ تریلیون دلار.

- نتیجه‌ی مستقیم این سیاست‌ها:

- سقوط ارزش ریال از حدود ۹۰۰۰ ریال در برابر یک دلار در سال ۲۰۰۵، به بیش از یک میلیون ریال در سال ۲۰۲۵؛ سقوطی عریان که نشان‌دهنده‌ی فروپاشی واقعی پول ملی است.

- رانده شدن نزدیک به ۷۰ میلیون نفر به زیر خط فقر مطلق.

- تورمی افسارگسیخته و انفجار بی‌سابقه‌ی هزینه‌های زندگی.

آمارهای جهانی: فرصت‌های نابودشده

بر اساس برآوردهای دقیق سازمان جهانی بهداشت (WHO) و یونسکو:

- ساخت یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی در خاورمیانه میان ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار هزینه

دارد. با تنها یک تریلیون دلار (کمترین برآورد خسارت تحریم‌ها)، می‌شد ۱۰ تا ۲۰ هزار

بیمارستان مدرن در سراسر ایران ساخت.

- هزینه واکسیناسیون کامل یک کودک کمتر از ۵۰ دلار در سال است. با ۲ تریلیون دلار،

می‌شد ۴۰ میلیارد کودک را واکسینه کرد؛ چندین نسل در ایران و کشورهای همسایه. و

تمامی جهان.

- ساخت یک مدرسه ابتدایی استاندارد برای ۵۰۰ دانش‌آموز میان ۲ تا ۵ میلیون دلار هزینه دارد. با یک تریلیون دلار، می‌شد ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار مدرسه ساخت؛ کافی برای پوشش همه‌ی نیاز ایران و حتی چندین کشور منطقه.
- بنا به داده‌های یونسکو، هزینه‌ی متوسط تحصیل یک دانش‌آموز در کشورهای در حال توسعه سالانه ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار است. با ۲ تریلیون دلار، می‌شد تحصیل رایگان و کامل ۲ تا ۳ میلیارد کودک و نوجوان را تضمین کرد.
- اگر حتی نیمی از این منابع صرف آموزش و بهداشت می‌شد، ایران می‌توانست طی دو دهه به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان از نظر شاخص پیشرفت انسانی (HDI) بدل شود. اینک روشن است که پروژه‌ی هسته‌ای و حکومت اسلامی نه تنها سرمایه‌ای عظیم را بلعیده، بلکه فرصتی تاریخی برای ارتقای زندگی مردم را نابود کرده است.
- پروژه‌های هسته‌ای و موشکی: ابزار بقای رژیم بوده است.
- از ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰، حکومت اسلامی پروژه‌های هسته‌ای و موشکی را ستون‌های «بازدارندگی» خواند. اما در عمل، این پروژه‌ها نه برای امنیت مردم، بلکه برای بقای رژیم و مانورهای نمایشی به کار گرفته شدند:
- مانورهای نظامی در خلیج فارس و دریای عمان با شلیک موشک‌های شهاب، قدر، سجیل و خرمشهر، هر یک با هزینه‌ای میان ۱۰ تا ۲۰ میلیون دلار.
- نمایش‌های همزمان با مذاکرات هسته‌ای، برای چانه‌زنی دیپلماتیک و خرید زمان.
- جنگ‌های نیابتی در یمن، عراق، سوریه و لبنان با هزینه‌ای بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از منابع عمومی، در حالی که سپاه فناوری موشکی و پهپادی را به گروه‌های نیابتی چون حوثی‌ها، حزب‌الله و حشد شعبی منتقل کرده است.

این پروژه‌ها دو روی یک سکه‌اند: بمب بالقوه هسته‌ای و حامل‌های موشکی. نتیجه‌ی آن چیزی جز تحریم، انزوا و انتقال مستقیم هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بر دوش حکومت شوندگان به ویژه کارگران نبوده است.

راه پیروزی و افق آزادی، روشن است:

سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی تنها به‌دست کارگران و زنان پیشتاز و برخاسته برای رهایی، در یک جنبش سراسری، یک اعتصاب عمومی و با از کار انداختن و نابودی تمامی ماشین سرکوب، امنیتی و نظامی این رژیم ممکن است.

آزادی و دستیابی به هویت انسانی و زندگی آزاد، در گرو سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری **خودمدیریت شورایی** است؛ نظامی نوینی که نه بر پایه‌ی استثمار و نابرابری، بلکه بر بنیاد همبستگی، برابری و اراده‌ی جمعی کارگران و زنان و زحمتکشان بنا خواهد شد.

تنها از راه شوراهاست که می‌توان به سرزندگی و بازسازی زیرساخت‌ها و زیست و بوم ویران‌شده دست زد.

عباس منصوران ۱۹ شهریور ۱۴۰۴ / دهم سپتامبر ۲۰۲۵

